

گزارش

رئیس مجلس خواستار برهیز از اختلافات سیاسی و گریز از تله درگیری‌های فرسایشی شد

پایان سه ماه تعطیلی بهارستان

شرق: پس از سه ماه تعطیلی اجباری صحن علنی مجلس شورای اسلامی به دلیل حملات اسرائیل و آمریکا در نهم اسفندماه سال گذشته، سرانجام دیروز جلسه علنی به صورت آنلاین و با حضور نمایندگان تشکیل شد تا سومین سال فعالیت مجلس دوازدهم رسماً آغاز شود. این جلسه که با سوگند اعضای جدید هیئت‌رئیس همراه بود، در شرایط حساس سیاسی و نظامی کشور و با تأکید بر وحدت ملی، بازرسی خسارت‌های جنگ و مقابله با تهدیدهای دشمن، برگزار شد.

در پی آغاز جنگ ۴۰روزه و حملات گسترده اسرائیل و آمریکا، درهای ساختمان بهارستان به مدت سه ماه بسته ماند و صندلی‌های سبز مجلس شورای اسلامی خالی از حضور نمایندگان بود. اگرچه فعالیت‌های نظارتی و جلسات کمیسیون‌های تخصصی به صورت برخط (آنلاین) ادامه یافت، اما صحن علنی مجلس تا دیروز تعطیل بود و این طولانی‌ترین دوره تعطیلی مجلس در شرایط جنگی پس از انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. جلسه مجازی مجلس دیروز با حضور ۲۰۱ نماینده (۱۴ نفر حضوری و ۱۸۷ نماینده به صورت آنلاین)، به ریاست محمدباقر قالیباف تشکیل شد و اعضای جدید هیئت‌رئیس مجلس در برابر قرآن مجید به خواندن قادر متعال سوگند یاد کردند «حاکم‌توان خود را برای اجرای این‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی با مراعات بی‌طرفی کامل در انجام وظایف به کار گیرم و از هرگونه اقدام مخالف این‌نامه اجتناب نمایم». انتخابات هیئت‌رئیس مجلس برای سومین سال فعالیت مجلس دوازدهم، دوشنبه ۴ خرداد به صورت حضوری و با رأی الکترونیکی برگزار شده بود.

برگزاری این جلسه علنی پس از سه ماه تعطیلی اجباری صحن، نماد استمرار فعالیت نهاد قانون‌گذاری در بحرانی‌ترین شرایط دفاعی و امنیتی کشور به شمار می‌رود. این رویداد نشان‌دهنده ظرفیت نهادهای سیاسی برای انطباق با تهدیدات فرسایشی است به همین دلیل آغاز به کار مجلس در سال سوم اهمیت بسزایی داشت. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، در نقط پیش از دستور خود ضمن بزرگداشت یاد رهبر شهید، تأکید کرد مجلس خود را «جان‌فدای رهبری» می‌داند و پیام‌های رهبر معظم جدید را «جرع آهز آینده» و «نقشه راه مجلس دوازدهم» قرار دهنده، رئیس مجلس در جلسه مجازی دیروز در نقط پیش از دستور خود گفت: «آنچه این روزها در ایران عزیز و مقتدر شاهد هستیم، از میدان‌های نبرد موشکی و دریایی تا خیابان‌هایی که به تسخیر مردم ایران درآمده، همه و همه نتیجه مدیریت و رهبری قائد شهید ائمت است». او افزود: «تعریف جایگاه مجلس به عنوان «سنگر خط مقدم تحول»، بار سنگینی از مسئولیت بر دوش ما می‌گذارد که باید با کار و ابتکار مضاعف»، قانون‌گذاری و نظارت را در مسیر «ریل‌گذاری آینده ایران اسلامی» تسریع و تعمیق بخیم». رئیس مجلس تأکید کرد: «ما به ایشا و مردم عزیز اعلام می‌کنیم تلاش خواهیم کرد اقدامات مجلس، نسبت مستقیم و مستقیم باشد» و مسائل اصلی کشور و نیازهای مردم داشته باشد و بر «امیدآفرینی و آینده‌سازی» از طریق ترسیم مسیر بنابات برای اقتصاد و معیشت تمرکز داشته باشد.

قالیباف اضافه کرد: «در همین راستا از کمیسیون‌های اقتصادی مجلس می‌خواهم اولویت پیگیری‌های تقنینی و خصوصاً نظارتی خود را «بنات اقتصادی»، «کاهش تورم»، «مدیریت نقدینگی»، «رونق تولید و اشتغال» قرار دهند و گزارش‌های لازم را آماده کنند که اقدامات مجلس با شرایط کشور در هم‌ساز باشد» و مسائل مطرح شود». رئیس مجلس در ادامه با بیان اینکه توجه‌دادن مجلس به مسائل پسا-جنگ توسط مقام رهبری حاکی از دقت نظر ایشان به شرایط سخت پیش‌روی کشور است، افزود: «از همه کمیسیون‌های تخصصی مرتبط مجلس می‌خواهم در اجرای رهنمود ایشان، «اصلاح برنامه هفتم پیشرفت» را هم در دستور کار خود قرار دهند و با هماهنگی با دولت، طرح‌های لازم برای اصلاح بندهای ناظر به «نوسازی و بازسازی خسارت جنگ تحمیلی دوم و سوم» به صورت دقیق، قابل سنجش و زمان‌بندی‌شده آماده کنند تا در اولین فرصتی که شورای عالی امنیت ملی به تقاضای هیئت‌رئیس مجلس برای تشکیل جلسات صحن علنی پاسخ مثبت داد، فرایند تصویب آنها را آغاز کرده و در اسرع وقت تصویب کنیم. معاونت قوانین و مرکز پژوهش‌های مجلس وظیفه دارند در اجرای این فرایند به نمایندگان کمک کنند». او همچنین بیان کرد: «ما فراموش نمی‌کنیم در شرایط کنونی کشور، دولت در میانه میدان مدیریت مسائل و مشکلات ایستاده و نیاز به کمک همه از جمله مجلس دارد. توصیه مقام رهبری، همچون قائد شهید، هم‌فرازی با دولت و سایر دستگاه‌ها در عین استقلال قوه مقننه است». قالیباف ادامه داد: «درست است که ما چک سفید امضا به کسی نمی‌دهیم، اما در تله درگیری‌های فرسایشی نیز نباید بقیتم، بلکه باید با نظارت مسئله‌محور، کارشناسی‌پایه و تخصص صحیح اولویت‌ها و ترجیح منافع ملی و مطالبات عمومی بر ملاحظات جناحی و منطقی‌ا، مسیری موثر و میانبر برای حل مشکلات کشور طراحی کنیم». او افزود: «تأکید ایشان بر مطالعه دقیق و جدی فرمایشات امام شهید انقلاب در دیدارهای سالانه با نمایندگان مجلس، مخصوصاً در سال‌های اخیر، تکلیفی برای ما نمایندگان ایجاد می‌کند که لازم است مرکز پژوهش‌های مجلس و خبرگزاری خانه ملت به صورت دسته‌بندی‌شده آنها را تدوین و در اختیار نمایندگان قرار دهند». رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه تعریف رعایت نعمت عظیم وحدت ملی به عنوان یکی از مصادیق تقوای فردی را نشانه نگاه عمیق مقام رهبری به پیوند ملاحظات اجتماعی و سیاسی با الزامات دینی دانست و افزود: «پارچه‌ریزی از اختلافات پوچ سیاسی و برجسته‌کردن تفاوت‌های اجتماعی را از مصادیق تقوای فردی تعریف کردند که تکلیف شرعی سنگینی برای ما ایجاد می‌کند. خود و دیگر همکارانم را به رعایت آن توصیه می‌کنم». او تأکید کرد: «ذکر مجدد ایشان به حفظ وحدت در برابر نقشه‌های دشمن برای تفرقه و تجزیه اجتماعی کشور، باید بیش از پیش مورد توجه ما نمایندگان مجلس قرار گیرد. مخصوصاً که ایشان ما را حتی از تبدیل اختلافات موجه به تنازع و تفرقه نهی کردند و خواستند خطاب و عملاً مظهر انسجام و یکپارچگی ملت باشیم». رئیس مجلس در ادامه خطاب به مردم بزرگ ایران گفت: «شما بهتر من می‌دانید ما در حال عقب‌نشاندن دشمن در یک جنگ بزرگ و تاریخ‌ساز هستیم. همان‌طور که رهبر انقلاب هم تأکید کردند، مهم‌ترین عامل پیروزی در این جنگ، انسجام و وحدت است. آنچه عقب‌نشینی‌های دشمن را پدید آورده، در کنار قدرت نظامی و آمادگی دفاعی رزمندگان ایران اسلامی، ایستادگی مردم و وحدت آنها در مقابل دشمن قرار است؛ این رمز پیروزی باید حفظ نشود». قالیباف تأکید کرد: «در این جنگ سرنوشت‌ساز، میدان مبارزه نظامی، میدان مبارزه خیابان، میدان مبارزه دیپلماتیک و میدان مبارزه خدمت به مردم، چهار میدان از یک مبارزه تمام‌عیار هستند». او افزود: «آنچه در میدان نظامی و با موشک‌های ما به دست آمده، با پشتیبانی و حمایت مردم بوده است. کار دیپلماسی این است که این پیروزی‌ها را به دستاوردهای سیاسی و حقوقی تبدیل کند و وظیفه میدان خدمت این است که با پشتوانه این پیروزی‌ها، مسائل مردم را حل کند». قالیباف ادامه داد: «در این مسیر، سربازان میدان مبارزه دیپلماسی هیچ اعتمادی به حرف‌ها و وعده‌های دشمن ندارند. آنچه برای ما ملاک است، دستاوردهای عینی است که باید کسب کنیم تا در مقابل آن دست به انجام تعهدات خود بزنیم و تا اطمینان پیدا نکنیم که حقوق ملت ایران را گرفته‌ایم، هیچ توافقی را تأیید نخواهیم کرد».

عبدالرحمن فتح‌اللهی: فضای رسانه‌ای هفته گذشته تصویری متفاوت از وضعیت مذاکرات ترسیم می‌کرد. از ابتدای هفته، مجموعه‌ای از گزارش‌ها و گمانه‌زنی‌ها در رسانه‌های آمریکایی و منطقه‌ای منتشر شد که همگی از نزدیک‌شدن تهران و واشینگتن به یک تفاهم اولیه سخن می‌گفتند؛ تفاهمی که حتی برخی منابع از موافقت طرفین با متن آن و انتظار برای امضای نهایی دونالد ترامپ خبر می‌دادند. در آن مقطع، روایت غالب این بود که موانع اصلی برطرف شده و فقط تصمیم نهایی رئیس جمهور آمریکا باقی مانده است. با این حال، تحولات چند روز اخیر نشان می‌دهد مسیر توافق همچنان با پیچیدگی‌های جدی مواجه است. گزارش‌های منتشرشده از سوی نیویورک تایمز و اکسوس حاکی از آن است که ترامپ نه‌تنها از تأیید متن موجود خودداری کرده، بلکه خواستار اصلاح بخش‌هایی از آن شده و نسخه بازنگری‌شده را برای بررسی مجدد به تهران ارسال کرده است. این تحول بار دیگر این پرسش را در مرکز توجه قرار داده که آیا دو طرف واقعا در آستانه دستیابی به یک تفاهم قرار دارند یا اختلافات اصلی همچنان پابرجاست و آنچه تاکنون شکل گرفته، صرفاً تلاشی برای مدیریت موقت بحران و جلوگیری از بازگشت به فضای تقابل نظامی است؟

ترامپ توافق می‌خواهد؟

در حالی که طی روزهای گذشته فضای رسانه‌ای آمریکا از نزدیک‌شدن به توافقی اولیه میان تهران و واشینگتن حکایت داشت، گزارش‌های جدید رسانه‌های نزدیک به دولت آمریکا تصویر پیچیده‌تری از روند مذاکرات ارائه می‌کنند. روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی مدعی شد دونالد ترامپ شرایط چارچوب بالقوه توافقی پایان جنگ با ایران را سخت‌تر و اصلاحات پیشنهادی خود را برای بررسی مجدد به تهران ارسال کرده‌اند. این روزنامه به نقل از منابع مطلع نوشت هنوز مشخص نیست چه تغییراتی در متن اعمال شده، اما یکی از نگرانی‌های اصلی ترامپ به بخش‌هایی از توافق مربوط می‌شود که آزادسازی منابع مالی ایران را در بر می‌گیرد.

هم‌زمان وب‌سایت اکسپوس نیز در گزارشی به نقل از یک مقام ارشد دولت آمریکا و یک منبع آگاه اعلام کرد ترامپ در نشست روز جمعه اتاق وضعیت، خواستار چندین اصلاحیه در متنی شده که فرستادگان آمریکایی و ایرانی بر سر آن تفاهم رسیده بودند. بر اساس این گزارش، رئیس‌جمهور آمریکا همچنان خواهان دستیابی به توافق است و انتظار دارد روند مذاکرات به نتیجه برسد، اما اصرار دارد برخی بندهای کلیدی، به‌ویژه در حوزه هسته‌ای، با دقت بیشتری تنظیم شوند. همین مسئله موجب آغاز دور جدیدی از رفت‌وآمدهای دیپلماتیک و تبادل پیام میان دو طرف شده است. نکته قابل توجه آن است که ترامپ پیش از برگزاری نشست اتاق وضعیت، از تشکیل این جلسه برای بررسی توافق خبر داده بود؛ اقدامی که در آن مقطع به عنوان نشانه‌ای از تمایل او به تأیید متن تلقی شد. اما خروجی جلسه نشان داد کاخ سفید هنوز درباره برخی جزئیات توافق به جمع‌بندی نهایی نرسیده است.

یک مقام کاخ سفید پس از پایان جلسه تأکید کرد ترامپ فقط توافقی را خواهد پذیرفت که منافع آمریکا را تأمین کند، خطوط قرمز واشینگتن را رعایت کرده و تضمین دهد ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست نخواهد یافت. هم‌زمان مقامات کشورمان نیز اعلام کرده‌اند متن نهایی هنوز از سوی تهران تأیید نشده است. این در حالی است که برخی منابع آمریکایی در روزهای گذشته مدعی بودند ایران آمادگی خود را برای امضای توافق اعلام کرده و همه چیز به تصمیم ترامپ بستگی دارد.

بر اساس جزئیات منتشرشده، یکی از اصلی‌ترین موارد اختلافی به نحوه تعیین تکلیف ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران مربوط می‌شود. در نسخه فعلی تفاهم‌نامه، ایران صرفاً متعهد شده برای دستیابی به سلاح هسته‌ای تلاش نکند، اما درباره سرنوشت ذخایر موجود و محدودیت‌های آن، جزئیات مشخصی ارائه نشده است. اکنون ترامپ خواهان اصلاح همین بخش شده و به دنبال سازوکاری دقیق‌تر درباره نحوه انتقال یا کنترل این ذخایر است. موضوع دیگر به تنگه هرمز بازمی‌گردد. اکسپوس گزارش داده ترامپ خواستار بازنگری در برخی عبارات مرتبط با بازگشایی و امنیت این گذرگاه راهبردی شده، مسئله‌ای که از آغاز مذاکرات یکی از حساس‌ترین محورهای گفت‌وگوها بوده است. با وجود این اختلافات، مقامات آمریکایی همچنان نسبت به دستیابی به توافق خوش‌بین هستند. یکی از مقامات ارشد دولت آمریکا گفته است: «توافقی انجام خواهد شد، اما هنوز نمی‌توان درباره زمان آن با قطعیت سخن گفت».

تهران توافق بدون تضمین را نمی‌پذیرد

در حالی که از واشینگتن نشانه‌هایی از تردید و بازنگری در متن توافق مخابره می‌شود، مواضع رسمی در تهران نیز نشان می‌دهد نگاه تصمیم‌گیران ایرانی بیش از هر چیز بر «سنابورد عینی» و «تضمین عملی» متمرکز است. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در نقط پیش از دستور جلسه روز یکشنبه مجلس، ضمن تأکید بر اهمیت حفظ انسجام ملی



«شرق» چشم‌انداز مبهم، تداوم تعلیق و وضعیت سیاست خارجی در میانه جنگ و تفاهم را بررسی می‌کند

مذاکره در هوای خاکستری

در شرایط پسا‌جنگ، به موضوع مذاکرات نیز پرداخت و تصریح کرد تیم دیپلماسی جمهوری اسلامی هیچ اعتمادی به وعده‌ها و اظهارات طرف مقابل ندارد. قالیباف با اشاره به روند جاری مذاکرات گفت ملاک ایران صرفاً دستاوردهای ملموس و عینی است و تا زمانی که حقوق ملت ایران به شکل واقعی تأمین نشود، هیچ توافقی مورد تأیید قرار نخواهد گرفت. او تصریح کرد: «جمهوری اسلامی حاضر نیست در برابر وعده‌های شفاهی یا تضمین‌های مبهم تعهدی بپذیرد و هرگونه اقدام متقابل باید بر پایه نتایج عملی صورت گیرد».

ضمناً محمدباقر قالیباف در پیام منتشرشده هشتم خردادماه خود، با تشریح سه محور کلیدی، برداشت و رویکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به مذاکرات با ایالات متحده را به صراحت بیان کرد؛ موضعی که از نگاه ناظران، می‌تواند به‌منابۀ ترسیم خطوط اصلی سیاست تهران در قبال روند گفت‌وگوهای جاری تلقی شود. در نوشته رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایران آمده است: «۱. ما استیازات را نه با گفت‌وگو، بلکه با موشک‌ها می‌گیریم، در مذاکره فقط آنها را تفهیم می‌کنیم. ۲. اعتمادی به تضمین‌ها و حرف‌ها نداریم، فقط رفتارها معیار است، هیچ اقدامی پیش از اقدام طرف مقابل انجام نخواهد شد. ۳. پیروز هر توافقی کسی است که از فردای آن، بهتر برای جنگ آماده شود».

هم‌زمان با سخنان قالیباف، مهدی محمدی، مشاور رئیس مجلس و عضو هیئت مذاکره‌کننده ایران نیز ارزیابی متفاوتی از فضای مذاکرات ارائه کرد. محمدی در یادداشتی با عنوان «توافقی وجود ندارد؛ ابتکار عمل با ایران است» تأکید کرد: «برخلاف فضای رسانه‌ای شکل‌گرفته در غرب، هنوز هیچ توافق نهایی میان دو طرف حاصل نشده است». او دلیل اصلی این وضعیت را وجود شکاف‌های جدی در دو سطح «متن» و «فرامتن» دانست. به اعتقاد محمدی، در سطح متن هنوز توافقی که بازتاب‌دهنده پیروزی ایران و شکست آمریکا باشد شکل نگرفته و در سطح فرامتن نیز اعتماد ایران به طرف آمریکایی عملاً وجود ندارد.

محمدی همچنین تأکید کرد: «ایران در موضع قدرت قرار دارد و این تهران است که درباره انجام یا عدم انجام توافق تصمیم خواهد گرفت. از نگاه او، توافقی احتمالی صرفاً یک ابزار تاکتیکی برای خرید زمان، جذب منابع و افزایش توان کشور است و نباید به عنوان یک راهبرد صلح‌طلبانه دائمی تفسیر شود». مشاور قالیباف در ادامه سه سناریوی محتمل را پیش‌روی روابط تهران و واشینگتن ترسیم کرد که مشتمل بر «توافقی عزت‌مندانه»، «جنگ بزرگ» و «وضعیت نه جنگ، نه صلح» است. به باور او: «سناریوی سوم می‌تواند فرسایشی‌ترین وضعیت برای کشور باشد و به همین دلیل تعیین‌تکلیف سریع‌تر معادلات موجود اهمیت ویژه‌ای دارد».

مجموعه این تحولات به‌روشنی بیانگر آن است که اگرچه مذاکرات وارد مرحله‌ای حساس شده و دو طرف بیش از گذشته در‌باره چارچوب‌های اولیه گفت‌وگو می‌کنند، اما همچنان اختلافات بنیادین بر سسر موضوعاتی مانند برنامۀ هسته‌ای، تحریم‌ها، تنگه هرمز و سازوکار اجرای تعهدات پابرجاست. به همین دلیل، در حالی که بخشی از تحلیلگران معتقدند تهران و واشینگتن بیش از هر زمان دیگری به دستیابی به یک تفاهم اولیه نزدیک شده‌اند و فقط تصمیم نهایی در سطح رهبران سیاسی باقی مانده است، گروهی دیگر بر این باورند که اختلافات دو طرف همچنان مابیتی راهبردی دارد و نمی‌توان آن را با یک توافق محدود یا حتی یک تفاهم اولیه حل‌وفصل کرد. از این منظر، آنچه امروز در جریان است نه پایان منازعه، بلکه مرحله‌ای تازه از آزمون اراده‌های سیاسی در تهران و واشینگتن است.

مهدی ذاکریان: آنچه امروز در جریان است، تلاشی برای مدیریت موقت اختلافاتی است

در تحلیل وضعیت فعلی سیاست خارجی کشور، مهدی ذاکریان، در گفت‌وگو با «شرق»، ذیل نگاهی متفاوت به تحولات جاری، تأکید می‌کند: «مسئله اصلی ما تفاوتی با تفاهم اولیه یا حتی امضای ترامپ، بلکه چگونگی تأمین منافع ملی ایران در شرایط کنونی است». استاد روابط بین‌الملل در عین حال تصریح می‌کند: «آنچه امروز بیش از هر چیز دور از دسترس به نظر می‌رسد، تأمین منافع ملی ایران است». زیرا به باور او: «فاصله معناداری میان وضعیت کنونی و تحقق منافع ملی کشور وجود دارد». استاد حقوق بین‌الملل این را هم یادآور می‌شود: «بیش از آغاز جنگ نیز بارها هشدار داده بودم دونالد ترامپ دو گزینه را هم‌زمان دنبال می‌کند؛ با ایران را به تسلیم وادار کند یا مسیر جنگ را در پیش بگیرد». اما به گفته او: «اکنون شواهد نشان می‌دهد ایالات متحده و اسرائیل هر دو مسیر را به‌طور هم‌زمان دنبال کرده‌اند؛ هم جنگ را پیش برده‌اند و هم در پی تحمیل شرایطی بوده‌اند که از منظر انسان به معنای تسلیم کامل ایران است».



شرق

علی رضوانپور: ایران نه در مسیر تسلیم قرار گرفته و نه در آستانه یک جنگ تمام‌عیار جدید

علی رضوانپور هم به عنوان دیگر کارشناس در کپ‌وگفتش با «شرق» و در پاسخ به این سؤال مشخص که «آیا کشور در مسیر یک توافق پایدار حرکت می‌کند یا صرفاً در حال مدیریت یک آتش‌بس موقت و شکننده است؟» اعتقاد دارد که «ایران نه در مسیر

تسلیم قرار گرفته و نه در آستانه یک جنگ تمام‌عیار جدید، بلکه در چارچوب یک «تفاهم تاکتیکی» در حال حرکت است؛ تفاهمی که بیش از آنکه نشانه پایان اختلافات باشد، تلاشی برای مدیریت تنش‌ها در یک مقطع زمانی محدود به شمار می‌رود». این مدرس دانشگاه در ادامه تحلیل خود تأکید می‌کند که «جمهوری اسلامی ایران در نیمه دوم سال جاری میلادی در یکی از حساس‌ترین مقاطع سیاست خارجی خود قرار گرفته است». به گفته او، «از یک سو مذاکرات میان تهران و واشینگتن تا سطوح قابل توجهی پیش رفته و از سوی دیگر، هم‌زمان تنش‌های نظامی و ادبیات تهدیدآمیز مقامات آمریکایی نیز ادامه داشته است. همین وضعیت دوگانه باعث شده نتوان شرایط کنونی را صرفاً در قالب جنگ یا صلح تفسیر کرد». این تحلیلگر مسائل بین‌الملل با اشاره به آنچه «چارچوب اولیه تفاهم» می‌نامد، می‌گوید «در طرف به‌نوعی توافق مقدماتی یا آنچه در ادبیات علوم سیاسی «Initial Framework Agreement» خوانده می‌شود، نزدیک شده‌اند». به باور او، «این تفاهم در قالب یک یادداشت‌تفاهم یا Memorandum of Understanding و برای یک دوره زمانی حدود ۶۰ روزه تعریف شده است». به گفته رضوان‌پور، «نخستین محور این تفاهم به موضوع آتش‌بس و امنیت دریایی مربوط می‌شود». او توضیح می‌دهد که «تمدید آتش‌بس و تداوم بازبودن تنگه هرمز، در ازای کاهش یا رفع فشارهای دریایی آمریکا، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این چارچوب است». رضوان‌پور معتقد است «تحولات اخیر نشان داده که جمهوری اسلامی ایران همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات تنگه هرمز دارد و توانسته است واقعیتی را که جامعه جهانی و بازارهای بین‌المللی منتقل کند از امنیت یکی از مهم‌ترین شریان‌های انتقال انرژی جهان بدون دوم به برونده هسته‌ای مربوط می‌شود». رضوان‌پور تصریح می‌کند که «شواهد موجود نشان می‌دهد تهران آمادگی خود را برای ورود به گفت‌وگوهای جدی درباره فعالیت‌های هسته‌ای اعلام کرده و احتمالاً در دوره زمانی مورد بحث، نوعی توقف یا محدودسازی در روند غنی‌سازی خود قرار خواهد گرفت».

البته او تأکید می‌کند که «تصمیم نهایی در این زمینه به ارزیابی و نظر مقامات عالی کشور وابسته است». رضوان‌پور در عین حال معتقد است «آنچه در این مقطع رخ داده، انتخاب «تفاهم» به جای «تسلیم» بوده است». او برای توضیح این وضعیت به مفهوم شناخته‌شده «Brinkmanship» در علوم سیاسی اشاره می‌کند: مفهومی که به حرکت بازیگران در لبه بحران و استفاده از فشار برای دستیابی به امتیاز بدون ورود به جنگ فرآیند اشاره دارد. از نگاه این تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل، «فشارهای آمریکا در کنار ملاحظات داخلی واشینگتن، از جمله افکار عمومی، رقابت‌های انتخاباتی و دغدغه‌های اقتصادی مانند کنترل قیمت انرژی، زمینه را برای حرکت به سمت یک تفاهم محدود فراهم کرده‌اند». او تصریح می‌کند که «اگر چنین ملاحظاتی وجود نداشت، آمریکا ضرورتی برای ورود به مسیر دیپلماسی احساس نمی‌کرد. به همین دلیل، شرایط کنونی را باید محصول مجموعه‌ای از فشارهای متقابل دانست که دو طرف را به سمت یک توافق موقت سوق داده است». رضوانپور در ادامه تأکید می‌کند که جمهوری اسلامی ایران اکنون در آستانه یک آتش‌بس موقت قرار دارد، نه در پایان یک جنگ و نه در آغاز یک صلح پایدار. به اعتقاد او، تهران در این مقطع زمانی استراتژی «صبر راهبردی» را در پیش گرفته است؛ راهبردی که می‌تواند فرصت تنفس اقتصادی برای کشور ایجاد کند، بخشی از فشارهای تحریمی را کاهش دهد و هم‌زمان امکان حفظ و بازسازی ظرفیت‌های بازدارندگی را فراهم آورد. به تعبیر او، «این دوره زمانی محدود می‌تواند فرصتی برای ساماندهی شرایط اقتصادی و تثبیت برخی دستاوردهای راهبردی باشد». با این حال، رضوانپور معتقد است «ایران هم‌زمان تلاش خواهد کرد آمادگی خود را برای سناریوهای مختلف حفظ کند؛ زیرا تجربه روابط تهران و واشینگتن نشان داده که هیچ توافقی بدون تضمین‌های کافی، پایدار و قطعی نخواهد بود». این کارشناس مسائل بین‌الملل در ادامه تحلیل خود تأکید می‌کند: «ایران در شرایط «نه جنگ، نه صلح» قرار دارد؛ وضعیتی که در آن تمایل به تفاهم وجود دارد، اما این تمایل تنها در صورتی معنا پیدا می‌کند که نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شود و تحریم‌های اقتصادی به صورت موثر کاهش یابد یا رفع شود». او می‌گوید که «جمهوری اسلامی ایران در طول سال‌های گذشته نشان داده که آغازگر جنگ نبوده است، اما در تلاش می‌کند تا تأمین حلال‌تری منافع ملی خود نیز تأیید

دارد. از این منظر، هرگونه تفاهم باید بتواند هم جایگاه منطقه‌ای ایران را به رسمیت بشناسد و هم زمینه‌کاهش فشارهای اقتصادی را فراهم کند». رضوانپور در پایان خاطر‌نشان می‌کند: «اگر چنین شرایطی محقق نشود، تهران همچنان آماده ادامه مسیر پرتنش کنونی خواهد بود». به باور وی، «تجربه روبرویی‌های اخیر نشان داد که استفاده از قدرت نظامی به تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت منازعات باشد و مقاومت و توان بازدارندگی همچنان یکی از مؤلفه‌های مهم در معادلات دیپلماسی و امنیت منطقه‌ای است. شمار می‌رود. از همین رو، آنچه امروز در برابر ایران قرار دارد نه انتخاب میان جنگ و صلح، بلکه مدیریت هوشمندانه فاصله میان این دو وضعیت و بهره‌گیری از فرصت‌های دیپلماتیک برای تأمین منافع ملی است».

گرچه مذاکرات وارد مرحله‌ای حساس شده و دو طرف بیش از گذشته در‌باره چارچوب‌های اولیه گفت‌وگو می‌کنند، اما همچنان اختلافات بنیادین بر سر موضوعاتی مانند برنامه هسته‌ای، تحریم‌ها، تنگه هرمز و سازوکار اجرای تعهدات پابرجاست، به همین دلیل، در حالی که بخشی از تحلیلگران معتقدند تهران و واشینگتن بیش از هر زمان دیگری به دستیابی به یک تفاهم اولیه نزدیک شده‌اند و فقط تصمیم نهایی در سطح رهبران سیاسی باقی مانده است